

بررسی آسیبهای حوزه دانشی، مهارتی و نگرشی ارزشیابی کیفی - توصیفی و ارائه راهکار جهت بهبود عملکرد: مطالعه موردی استان هرمزگان

مختارذاکری^۱، مرتضی چمل نژاد^۲

۱- دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شیراز، ایران

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان بندرعباس، ایران

۲- کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

کارشناس پژوهش و تحقیقات آموزش و پرورش ناحیه ۲ بندرعباس، ایران

چکیده:

هدف این مطالعه، بررسی آسیبهای ارزشیابی کیفی و ارائه راهکارهایی جهت بهبود فرایند اجرایی و آموزشی است. روش پژوهش کیفی و جامعه پژوهش شامل معلمان ابتدایی، کارشناسان و صاحب نظران آموزش و پرورش استان هرمزگان است. نتایج نشان می دهد به طور کلی آسیبهای ارزشیابی کیفی در حوزه دانشی شامل عدم شفافیت نتایج ارزشیابی، عدم آگاهی از محتوای ارزشیابی، محتواگرایی، سطحی بودن یادگیری، نبود برنامه های آموزشی، عدم برنامه محوری، شناخت ناکافی اولیا، شناخت ناکافی از ویژگیهای فراگیران و گسترش بی سوادی بوده است. یازده مقوله شامل ناتوانی در اجرای اجزای اصلی ارزشیابی، عدم مناسبت سازی، کمبود ابزار و شرایط اجرایی، ناتوانی در جامعیت کاربرد ابزارهای ارزشیابی، دشواری ارزشیابی بیرونی از روند اجرایی، نبود وحدت رویه، افزایش حجم کاری، ناتوانی در کنترل زمان، عدم تخصص گرایی، هزینه تراشی و عدم تسلط بر روشهای جدید آموزش آسیبهای بخش اجرایی و مهارتی ارزشیابی کیفی است. هشت مقوله بی توجهی به سطح کیفی، بی انگیزگی در اجرای ارزشیابی، سهل نگری از سوی مخاطبان، بدبینی به ارزشیابی کیفی، نگاه کمی گرا به ارزشیابی توصیفی، نگاه ابهام آمیز به ارزشیابی، نگاه سلیقه ای به ارزشیابی و اضطراب از پیاده سازی ارزشیابی ایجاد کننده آسیبهای بخش نگرشی هستند. هشت مقوله عبارت از تناسب سازی در ابعاد مختلف ارزشیابی، آموزش معلمان مجری ارزشیابی توصیفی، توسعه کیفیت آموزش، ایجاد آرامش روانی برای مجریان و مخاطبان طرح توصیفی، بکارگیری تکنولوژی تدریس از سوی مجریان ارزشیابی کیفی، توسعه امکانات، پذیرش و اعتقاد به ارزشیابی کیفی و آموزش اولیا بهترین راهکارهای بهبود فرایند اجرایی ارزشیابی کیفی در پژوهش پیش رو است.

واژه های کلیدی: عملکرد معلمان، ارزشیابی کیفی و توصیفی، بهبود عملکرد

مقدمه:

ارزشیابی تحصیلی، یکی از عناصر مهم و اساسی برنامه های درسی و نظام های آموزش و پرورش جهان محسوب می شود. در دو دهه ی اخیر، همگام با تحول در عناصر نظام آموزشی از جمله برنامه ی درسی، روش های تدریس و منابع یادگیری، ضرورت تحول در شیوه های سنجش آموخته ها نیز احساس شده است (محقق معین، ۱۳۸۲). تاریخچه ی نظام تعلیم و تربیت تطبیقی نشان می دهد که تحول بسیاری از کشورها از نظام ارزشیابی آغاز و به دیگر مؤلفه ها سرایت کرده است. از این رو، نگاه مجدد به ارزشیابی، بازنگری و باز تعریف آن و ایجاد ارزشیابی نوین، ضرورتی قطعی و یقینی است (رستگار، ۱۳۸۷).

در کشور ما نیز همگام با سایر کشورها تغییراتی در نظام ارزشیابی تحصیلی صورت گرفت. ارزشیابی توصیفی (کیفی)، یکی از نوآوریهای آموزشی در دهه ی هشتاد هجری شمسی در نظام آموزشی دوره ی ابتدایی کشور است که هم اکنون دبستانهای سراسر کشور اجرا می شود و در حال انتقال به متوسطه اول می باشد. معلمان می توانند یکی از مهمترین عناصر تأثیر گزار در اجرای موفقیت آمیز این نوآوری باشند. بنابراین تا زمانی که معلمان کشور از مبنای نظری ارزشیابی توصیفی آگاهی نداشته باشند و از اجرای آن طفره برونند یا در برابر آن مقاومت کنند و در عمل صرفاً به ارزشیابی سنتی روی آورند و ارزشیابی از یادگیری های فراگیران را محدود به سنجش